

واکاوی رویکرد «اخلاق‌شناختی» قرآن کریم در مواجهه با تبعیض قومی و نژادی^۱

امیر کشتگر* / سید احمد میرحسینی** / علی جعفری***

چکیده

برتری‌دادن برخی گروه‌های انسانی به دلیل اِتصاف به ویژگی‌های غیر اکتسابی یا اکتسابی و فاقد اصالت، باوری است که منشأ بسیاری از بی‌عدالتی‌ها در تاریخ حیات اجتماعی بشر بوده است. قرآن کریم به‌عنوان عالی‌ترین منبع معرفتی، الگویی از جامعه‌پردازی را ارائه نموده که در آن ارزش‌های وراثتی و نژادی به‌کلی ملغی و با ارائه راهبردهای متناسب اخلاقی در مقام بیان ویژگی‌های نظام اجتماعی متعادل و متکامل برآمده است. بررسی‌ها در این باره، حاکی از این مدعاست که مجموعه راهبردهای قرآن کریم در این خصوص، حداقل بر سه رویکرد «تندیزی»، «تبدیلی» و «تشبیتی» استوار است. رویکردهای مزبور که به‌صورت تحلیلی - توصیفی و با روش کتابخانه‌ای در قلمرو علوم قرآنی تشریح گردیده‌اند، ضمن این‌که تمهید تئوریک جامعی برای ارتقای نظام حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند، می‌توانند چارچوب‌های مفهومی مناسبی جهت تکوین و تکامل هنجارهای عادلانه و ضد تبعیض قومی و نژادی در نظام بین‌المللی حقوق بشر ارائه نمایند.

واژگان کلیدی

تبعیض قومی و نژادی، رویکرد تندیزی، رویکرد تبدیلی، رویکرد تشبیتی، مسئولیت حمایت.

۱. برگرفته از رساله دکتری: امیر کشتگر، *مبانی و الزامات فقهی و حقوقی اصل مسئولیت حمایت مبتنی بر رهیافتی اسلامی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۹.
*. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، پردیس فارابی دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول).
amir.keshtgar@chmail.ir

**. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

***. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴

مقدمه

برتری دادن برخی گروه‌های انسانی به دلیل اتصاف به خصایص اکتسابی و غیراکتسابی فاقد اصالت و ویژگی‌های وراثتی، اعتقادی است که پیوسته، عامل بروز بسیاری از بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها در مناسبات انسانی شده است. مطالعه ادوار مختلف حیات اجتماعی بشر به‌وضوح نمایانگر این واقعیت ناگوار است که برتر پنداشتن برخی گروه‌های انسانی به‌دلیل تعلق به اموری نظیر قومیت و نژاد، آنچنان بدیهی و مسلم انگاشته می‌شده است که می‌توان آن را یک فرهنگ و سنت متعارف در تاریخ ملل و تمدن‌های گذشته تلقی کرد. درحالی‌که کثرت تبعات ناگوار حاصل از تبعیضات ناروا، به‌صورت طبیعی این انتظار را ایجاد می‌کند که در دوران معاصر شاهد برچیده شدن این ناهنجاری در عرصه اجتماعی باشیم. در عصر حاضر آسیب مذکور در قالب نظریات سازمان‌یافته و ایدئولوژی‌های مدرن، رشد و نمو یافته است.

گسترش روزافزون تبعیض‌های ناروا و بروز منازعات قومی و نژادی در سطوح ملی و جهانی، حقوق‌دانان بین‌الملل را بر آن داشت تا با طرح الزامات متعدد در قوانین اساسی کشورها^۱ و اسناد بین‌المللی، نظام حقوقی متناسبی را در این باره ارائه کنند. در این راستا علاوه بر اسناد عام نظیر «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» که در آنها منع تبعیض میان آحاد مردم یک اصل مسلم در نظر گرفته شده است، اسناد بین‌المللی خاصی نیز در جهت مقابله با تبعیضات ناروا تدوین شده است؛ از جمله این اسناد می‌توان به «کنوانسیون بین‌المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی»، «اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی» و «اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی» اشاره کرد. (حبیب‌نژاد و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۲ - ۸۴) اما هنجار بین‌المللی متأخری که در ذیل نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی)، جرائم مبتنی بر تبعیضات قومی و نژادی با تأکید و الزام بیشتری در آن مورد توجه قرار گرفته، نظریه «مسئولیت حمایت»^۲ است. ایده مذکور با این هدف طرح شده است که از شهروندان در قبال نقض فاحش حقوق بشر از قبیل نسل‌زدایی و پاکسازی قومی و نژادی حمایت شود؛ (عسگری، ۱۳۹۶: ۲۱۵)

۱. با توجه به وجود تکرر قومی و نژادی در بافت جمعیتی کشور ایران، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در جهت مقابله با عوامل تهدیدکننده همبستگی ملی، ضمن به رسمیت شناختن تنوع اقوام و نمادهای فرهنگی متعلق به آنها نظیر «حقوق زبانی»، به‌موجب بند ۲ اصل ۳ قانون اساسی هرگونه تبعیض ناروا در تخصیص امکانات را مردود شمرده و در اصل ۱۹ با اشاره به مصادیق تبعیضات ناروا در نظم حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، به صراحت، آحاد شهروندان جمهوری اسلامی ایران را از حیث ویژگی‌هایی نظیر قومیت و نژاد دارای موقعیتی برابر معرفی کرده است.

2. Responsibility to protect.

براساس دکتربین پیش‌گفته، دولت‌ها مسئولیت اولیه حمایت از شهروندان خود را در قبال جرائم فوق‌بر عهده دارند و اگر دولتی نتواند یا نخواهد از طریق مقابله با اختلافات نژادی و قومی از نقض حقوق انسان‌ها جلوگیری کند این مسئولیت به جامعه بین‌المللی منتقل می‌شود. (اسدزاده و نژادی‌منش، ۱۳۹۵: ۱۷) همچنان که پیدا است ارائه راهکارهای حقوقی در مقابله با بروز جرائم مرتبط با تبعیضات قومی و نژادی از گذشته تاکنون در صدر نظریات حقوق بشری قرار داشته است.

با وجود پیشرفت‌های حقوقی صورت‌گرفته، نکته قابل توجه این است که آثار نامطلوب اخلاقی و فرهنگی آسیب‌های ناشی از تبعیضات ناروا، کارآمدی نظم حقوقی ایجاد شده را مخدوش کرده و مانع شکل‌گیری نظام مناسباتی عادلانه در روابط اجتماعی شده است. نظر به ضرورت تقدم اتخاذ رویکرد غیرحقوقی در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی، واکاوی رویکرد مطلوب اخلاق‌شناختی، جهت تأمین مقاصد قانونگذاران و حقوق‌دانان، در ادامه بررسی شده است.

نامتناهی بودن معارف کلام الهی، قرآن کریم را به منبعی بی‌نظیر برای استخراج الگوهای مطلوب زیستی تبدیل کرده است. درواقع آنچه بشر جهت تأمین مصالح دنیا و مآله عقبی بدان محتاج است، در ضمن آیات قرآنی به ودیعه نهاده شده (کاشفی سبزواری، بی‌تا: ۱۶۶) و با دقت در این مضامین می‌توان ضمن رفع آسیب‌های فردی و اجتماعی به الگوهای مطلوب خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی دست یافت. با پذیرش فرض مذکور، آنچه در نوشتار حاضر پی‌گرفته خواهد شد واکاوی رویکرد اخلاق‌شناختی قرآن کریم در مواجهه با تبعیض قومی و نژادی است. دراین‌راستا تلاش می‌شود با رویکردی تحلیلی - توصیفی و مبتنی بر یافته‌های کتابخانه‌ای در قلمرو علوم قرآنی، رهیافت‌های اخلاق‌شناختی قرآن کریم مبتنی بر سه رویکرد «تندیری»، «تعدیلی» و «تثبیتی» در مواجهه با تبعیض قومی و نژادی، مورد تحلیل قرار گیرد. در رویکرد «تندیری» عواقب سوء ناشی از برتری‌جویی قومی و نژادی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ در رویکرد «تعدیلی» ملاک‌های واقعی ارزش‌گذاری که جایگزین عوامل فاقد اصالت می‌گردد تبیین می‌شود؛ و نهایتاً در رویکرد «تثبیتی» کیفیت نهادینه‌سازی آموزه‌های اخلاقی اسلام در حوزه عدالت اجتماعی و منع تبعیضات ناروا بررسی می‌شود.

رویکرد «تندیری» قرآن کریم در مواجهه با تبعیض قومی و نژادی

تندیر در کنار تبشیر از شعون رسالت انبیای الهی است و هر دو از ابزارهایی محسوب می‌شوند که در مسیر هدایت، داعی و انگیزه لازم را برای انجام یا ترک فعلی ایجاد می‌کنند. نکته قابل توجه این است

که انذار و تخویف در دعوت نبی مؤثرتر از تبشیر و تشویق است. درواقع قوت انگیزه دفع خطر بر جلب منفعت در انسان باعث شده است در بسیاری از آیات قرآن کریم رویکرد تنذیری غلبه داشته باشد و کثرت آیه‌ای که رسالت قرآن کریم و انبیای الهی را بر انذار منحصر کرده‌اند شاهدی بر این مدعا است.^۱

مسئله مهم در خصوص نقش تنذیر در امر هدایت، نسبت این مفهوم با «تعذیب» است. درواقع آنچه تضمین‌کننده ترتیب اثر انذار و هشدار توسط مکلف است عقوبت و عذابی است که در نتیجه اعراض از انذار حاصل می‌شود.^۲ اینکه خدای متعال در آیه ۱۸ سوره قمر در مورد قوم عاد که در مسیر تکذیب پیامبر خود گام برداشتند فرموده است: «كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِي»، بیانگر ارتباط میان تعذیب و تنذیر است. درواقع تهویل موجود در بیان استفهامی این آیه به‌خوبی شدت عذاب و صدق انذار را به مخاطب القاء می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۱۱۳) با توجه به ملازمه‌ای که میان تنذیر و تعذیب برقرار است، در ادامه مجموعه تنذیرهایی که در قرآن کریم، درباره عوامل تبعیض ناروا وارد شده است، بررسی می‌شود.

۱. تنذیر قرآن کریم نسبت به «تبعات منفی دنیوی»

نائل آمدن به فهمی تاریخی از محیط اجتماعی نزول قرآن کریم و بعثت نبی اکرم ﷺ، ادراک آیات مرتبط با مناسبات عصر جاهلی را ساده‌تر می‌کند. درواقع شناخت آداب و رسوم، عقاید و باورهای محیط نزول قرآن کریم از موارد بسیار مهم قرائن برای تبیین بسیاری از آیات این کتاب آسمانی محسوب می‌شود. (فائز، شاهرودی و گلاب‌بخش، ۱۳۹۱: ۱۰۱) مطالعه اوضاع عمومی و اجتماعی حاکم بر شبه‌جزیره عربستان پیش از ظهور اسلام نشان می‌دهد، یکی از ناهنجاری‌های رایج و سنت‌های مشقت‌بار، اصالت‌دادن به عوامل وراثتی نظیر قومیت، نژاد، رنگ و زبان در روابط انسانی بوده است. در این سرزمین گسترده، خصلت‌هایی چون عصبیت قومی و تفاخر به نَسَب، باعث بروز نزاع‌های طولانی و ویرانگر میان آنها می‌گردید (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ ق: ۳ / ۱۲۹ - ۱۲۸). اشعار باقی‌مانده از این دوره به‌خوبی نمایانگر میزان قوت انگیزه‌های قومی و نژادی عرب جاهلی است.

۱. آیات ۲۴ - ۲۳ سوره فاطر؛ ۱۸۴ اعراف؛ ۱۱۵ شعراء؛ ۷۰ ص؛ ۵۰ و ۵۱ ذاریات؛ ۲۶ ملک؛ ۵۰ عنکبوت؛ ۱۲ و ۲۵ هود؛

۴۹ حج؛ ۹ احقاف؛ ۸۹ حجر؛ ۵۶ نجم؛ ۳۴ و ۴۶ سبأ؛ ۴۶ قصص؛ ۲۳ زخرف؛ ۳ سجده.

۲. صدرالمآلهین در کتاب تفسیر القرآن الکریم در خصوص نسبت انذار قرآنی و عذاب الهی بیان داشته است: «ثم ان نتيجة الاعراض عن سماع الآيات و نسيانها و انكار المعارف الموضحة هي الظلمة في القلب و الضيق في الصدر و الوحشة في الطبع و المعيشة الضنك في الآخرة و العمي و الحرمان في الحشر». (صدرالمآلهین، ۱۳۶۶: ۵ / ۱۴۲)

ضرب‌المثل مشهور «انصر اخاك ظلماً او مظلوماً»^۱ به‌روشنی حاکی از منطق جاهلی مستولی بر سرزمین حجاز است.

مبتنی بر این درک تاریخی، تحلیل برخی آیات از جمله آیه ۱۵۷ سوره اعراف «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» که به موجب آن، یکی از رسالت‌های مهم پیامبر اکرم ﷺ، زدودن قیدوبندهای روابط اجتماعی مبتنی بر سخت‌گیری و پای‌بست‌های غیرضروری معرفی شده است، به نحو مطلوب‌تری امکان‌پذیر می‌شود. در واقع آیه مذکور به‌خوبی نشان می‌دهد تقیید به سنت‌های غلط و عادات مشقت‌بار - که از مصادیق بارز آن تعصبات جاهلی و تفاخرات قومی و نژادی است - تا چه میزان می‌تواند مانع جلب خیرات (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۸ / ۳۶۱) و سد راه فراهم آمدن امکان‌های گسترده برای رشد و بالندگی جامعه انسانی شود. به‌علاوه، در آیه ۱۰۳ آل عمران نیز در ترسیم وضعیت نابسامان عصر جاهلی، از تعبیر «عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ» استفاده شده است. بررسی کتب تفسیری نشان می‌دهد بروز یک سلسله اختلافات و منازعات میان دو قبیله «اوس» و «خزرج» شأن نزول این آیه را شکل می‌دهد، (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۸۰۵)

خداوند با تعبیر «بر لبه پرتگاه» نسبت به بازگشت به وضعیت سابق انذار می‌دهد. این بیان استعاری در واقع انذار مؤمنان نسبت به آسیب‌هایی است که مردم عصر جاهلی بدان مبتلا بوده‌اند. اگرچه خدای متعال در این آیه سرنوشت گروهی را به تصویر می‌کشد که به گذشته تعلق دارند، ولی ارائه تصویری شفاف از عاقبت حیات اجتماعی جماعتی که بر مدار تعصبات قومی و قبیله‌ای زندگی می‌گذرانند مایه عبرت آیندگان است و لزوم این تنبه در ادامه آیه آنجا که خدای متعال فرموده «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» قید شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳ / ۵۷۶)

بنابراین براساس آموزه‌های قرآن کریم، مهم‌ترین آسیب دنیوی تفوق عوامل تبعیض ناروا در زندگی اجتماعی، تفرقه و منازعات مستمر است؛ اما با بررسی احادیث معصومان علیهم‌السلام می‌توان دریافت آثار ناگوار دنیوی به این حد خلاصه نمی‌شود. با بررسی سخنان معصومان علیهم‌السلام می‌توان دریافت که پیش از ظهور آسیب‌های اجتماعی، بُعد فردی انسان تحت تأثیر این پدیده ناگوار قرار دارد و معصومان علیهم‌السلام با تذکر نسبت به این آثار نامطلوب، افراد انسانی را از آن پرهیز داده‌اند. ابتلا به بیماری‌های مزمن اخلاقی از جمله آثاری معرفی شده که فرد دارای عصیبت واجد آن دانسته شده است (سبحانی، ۱۳۸۵: ۳۴). بی‌تردید مهم‌ترین علت این ابتلائات نیز خارج‌شدن از قلمرو ایمان و

۱. برادرت را یاری کن؛ چه ظالم باشد چه مظلوم باشد.

دایره توحید است؛ چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تُعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ؛ هر که تعصب ورزد یا برای او تعصب ورزند [و او سکوت کند] رشته ایمان از گردنش گشوده است» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰ / ۱۷۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۰۷؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۳۷۰) و می‌تواند کنایه از این نکته هم باشد که بعد از این، ریسمان هدایت او، در اختیار نیروی ایمان نیست و در معرض سقوط و حرکت در بیراهه است؛ بنابراین مهم‌ترین نتایج ناگوار تعصبات قومی و نژادی، خروج از قلمرو هویت دینی است که این امر نیز خود عامل بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها و بیماری‌های اخلاقی قلمداد می‌شود.

۲. تنذیر قرآن کریم نسبت به «تبعات منفی اخروی»

در منطق قرآن کریم اتصاف افراد به ویژگی‌های خاص ظاهری موجب تمایز آنها در پیشگاه دادگاه عدل الهی نمی‌شود. در واقع با وجود اینکه روابط قومی و قبیله‌ای در محدوده حیات دنیوی کارگشا است، اما هنجارهای برآمده از این باورهای ساختگی، در آخرت از ارزش می‌افتند و آنچه ملاک سعادت و منزلت‌یابی افراد قرار می‌گیرد، ایمان و عمل صالح ایشان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴ / ۳۳۰)

در آیات متعددی از قرآن کریم به عدم تأثیر روابط فامیلی در قیامت اشاره شده است. با نظر به آیه ۱۰۱ سوره مؤمنون که خدای متعال می‌فرماید: «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ» نسبت خویشاوندی با دمیده‌شدن صور از میان می‌رود؛ با مطالعه سرنوشت افراد وابسته به انبیای الهی نیز می‌توان دریافت که این نسبت، تأثیری در وضعیت آنها در قیامت نداشته است. عذاب همسران حضرت لوط علیه السلام و حضرت نوح علیه السلام به واسطه کفر و خیانت آنان «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَاتُ نُوحٍ وَأَمْرَأَاتُ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (تحریم / ۱۰) همچنین سرزنش ابولهب عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و وعده دوزخ به او به دلیل دشمنی‌هایش با اسلام، نمونه‌هایی بارز از این مدعا است «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ * مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ * سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ». (مسد / ۳ - ۱) عدم تأثیر رابطه خویشاوندی در پیشگاه دادگاه عدل الهی تا جایی است که خدای متعال طلب آمرزش پیامبران صلی الله علیه و آله را برای مشرکان اگرچه از خویشاوندان باشند رد کرده است «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلِيَا قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ». (توبه / ۱۱۳) با مطالعه این نمونه‌های تاریخی می‌توان نتیجه گرفت خدای سبحان با قاطعیت کفرپیشگان و مرتکبان رفتارهای خباثت‌آلود را با وجود انتساب به اولیای الهی محکوم کرده است و سرنوشت آنها را تیره و تار گردانیده است.

در روایات نیز عدم‌تأثیر تعلقات خویشاوندی در سعادت اخروی مورد اشاره قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام در تشریح آثار سوء‌عصبیت در حیات اخروی بیان داشته است: «مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ عَصِيَّةٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَعْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ»؛ آنکه در دل او به اندازه خردلی عصبیت وجود داشته باشد، خداوند او را در روز قیامت با عرب‌های جاهلی برانگیزاند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۰۸) از امام سجاد علیه السلام نیز نقل شده است: «خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ لِمَنْ أَطَاعَهُ وَ أَحْسَنَ وَ لَوْ كَانَ عَبْدًا حَبَشِيًّا وَ خَلَقَ النَّارَ لِمَنْ عَصَاهُ وَ لَوْ كَانَ وَكِدًا قُرَشِيًّا»؛ (العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ ق: ۳ / ۵۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۴۶ / ۸۲) خداوند بهشت را برای کسی خلق کرد که اطاعت خدا را در پیش گرفته و نیکوکار باشد اگرچه برده حبشی باشد و دوزخ را برای کسی آفرید که اهل سرکشی است اگرچه اهل قریش باشد. بنابراین آثار برتری‌جویی قومی و نژادی که از عوامل تبعیض ناروا محسوب می‌شوند محدود به زندگی فردی و اجتماعی در حیات دنیوی نیست بلکه حیات اخروی فرد را نیز به شدت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

رویکرد «تبدیلی» قرآن کریم در مواجهه با تبعیض قومی و نژادی

آثار ناگوار و تهدیدات جدی ناشی از تبعیضات قومی و نژادی این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که آموزه‌های قرآنی علاوه بر رویکرد سلبی مبتنی بر انذار، چه راهبرد اخلاقی و تربیتی ایجابی را برای مقابله با این انحراف ارائه می‌کند؟ نظر به اینکه قرآن کریم اصلاح اخلاق انسانی را در دو بعد فردی و اجتماعی دنبال می‌کند، این موضوع در دو سطح قابل بررسی است. در سطح نخست، خدای متعال با شناسایی و تبدیل عوامل و ریشه‌های این انحراف در درون ساختار شخصیتی انسان به مواجهه با این باور غلط می‌پردازد و در سطح دیگر، با تعریف ملاک‌های واقعی ارزش‌گذاری، گونه‌ای از روابط اجتماعی را ترسیم می‌کند که در آن منزلت‌یابی افراد مبتنی بر صفات غیراکتسابی و یا اکتسابی ولی فاقد اصالت، امری مردود تلقی می‌شود. در ادامه، ابعاد مختلف هر کدام از دو رویکرد پیش‌گفته، بررسی می‌شود.

۱. عوامل درونی موجد تبعیض قومی و نژادی

دین مبین اسلام در راستای مقابله جدی با تبعیضات قومی و نژادی در ابتدا به شناساندن عوامل و ریشه‌های این انحراف توجه داشته و سپس به درمان و اصلاح این آسیب‌ها پرداخته است. در واقع، خدای متعال، به منظور تطهیر و تحکیم جوامع انسانی، عوامل بروز مفاسد را معرفی می‌کند تا با شناسایی علت‌ها، امکان برکنند آسیب‌ها فراهم آمده و از این طریق جامعه‌ای صالح و سالم به وجود آید. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف: ۱۳)

تکبر: نخستین عامل را می‌توان «کبر» معرفی کرد. این عارضه روحی از جمله ردائل نفسانی محسوب می‌گردد و موجب می‌شود، فرد خود را برخوردار از عظمت و شوکتی بیند که آن را در دیگران نمی‌بیند. یکی از شاخه‌های کبر، اصیل دانستن خود و حقیر در نظر گرفتن دیگران به‌واسطه صفات قومی و نژادی است. به شهادت آیات ۷۳ و ۷۴ سوره «ص»، اولین نمونه تاریخی استکبار مخلوقات - به دلیل ویژگی‌های نژادی و طبیعی که خداوند در خلقت بندگان قرار داده است - به موضوع نافرمانی شیطان از دستور خداوند برای سجده بر انسان باز می‌گردد «فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ * إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ». در ادامه همین سوره، شیطان در پاسخ به این پرسش خداوند که چه چیز تو را از اجابت دستور من بازداشت «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ يَدَيَّ اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ»، از جنس آتش بودن خود و از جنس گِل بودن انسان را به‌عنوان دلیل سرکشی خود مطرح کرد «قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ»^۱. مهم‌ترین نکته تربیتی که از داستان ابلیس و آفرینش آدم استفاده می‌شود همان سقوط وحشتناک ابلیس از مقام والای خود به دلیل تعصب و تکبر است؛ این برتری جویی شیطان باعث شد خداوند او را کوچک و پست بشمارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۷۴) بنابراین کسی که داعیه برتری داشته باشد و همچون شیطان، خودبینی پیشه کند، خطر سقوط او را تهدید می‌کند. در توضیح این مطلب می‌توان اضافه کرد تکبر، تنها وصف شیطان نیست؛ بلکه، موضوعی است که شیطان با آن، دیگران را وسوسه کرده و افراد را در قلمرو ولایت خود وارد می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳۲۱) با توجه به آنچه گفته شد خودبرتربینی و تکبر که از عوامل اصلی تعصب قومی و نژادی است، رفتاری شیطانی محسوب می‌شود که انسان را از قلمرو ولایت الهیه خارج کرده، او را از مظاهر شیطان قرار می‌دهد.

جهالت: عامل دیگر بروز دیدگاه‌های مبتنی بر اُصالت دادن به قومیت و نژاد، «جهل» است. درواقع مهم‌ترین عامل بروز مفاسد اخلاقی و تبعیضات ظالمانه در طول تاریخ را می‌توان جهل بشر دانست. (مطهری، ۱۳۶۸: ۲ / ۴۸۳) نمونه بارز این مظالم مبتنی بر جهل، اعتقاد به برتری برخی گروه‌های انسانی بر برخی دیگر به‌موجب ویژگی‌های وراثتی و طبیعی است. درواقع این باورمندان، با غفلت از حقیقت واحد انسانی و صرفاً، به دلیل وجود پاره‌ای تفاوت‌های ظاهری، در تحلیل‌های خود دچار اشتباه شده‌اند. نمونه بارز نژادپرستی ناشی از اعتقاد به افکار نادرست و بی‌پایه، تعصبات نژادی قوم یهود بوده است. در قرآن کریم، در موارد متعددی این تلقی یهود، که خود را قومی متمایز می‌داند مردود و در آیه ۸۰ سوره بقره این تلقی، ناشی از جهل آنان معرفی می‌شود «وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا

۱. این مضمون در آیات ۱۲ - ۱۱ سوره اعراف و ۳۳ - ۳۰ سوره حجرات نیز تکرار شده است.

أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ».

اصلاح عوامل درونی موجد تبعیض ناروا به روش قرآن: با توجه به مفاسد فردی و اجتماعی ناشی از هر کدام از ردائل «کبر» و «جهل»، می‌توان با تمسک به آموزه‌های اسلامی آنها را از وجود آدمی زدود. اسلام در مرتبه علمی در جهت مقابله با کبر، با ارائه تصویر واقعی از تطورات انسان در مسیر خلقت نشان می‌دهد که هیچ فردی در این مسیر از شرایط ممتازی برخوردار نیست و فقر و احتیاج از بدو خلقت در حق ذات ابنای بشر بوده است «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَيَّ اللَّهُ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۴ / ۲۴۴) امام خمینی رحمته در کتاب *جهل حدیث* بعد از اینکه در رابطه با تطورات انسان در مسیر خلقت، انسان را در جمیع تطورات ارذل و اذل موجودات معرفی می‌کند، تکبر را برای او غایت جهل و نادانی دانسته و در مقام ارائه راهکار عملی برای علاج این سیئه اخلاقی چنین بیان داشته‌اند:

اگر درصدد اصلاح نفس برآمدی، طریق عملی آن نیز با قدری مواظبت سهل و آسان است. و در این طریق با همت مردانه و حریت فکر و بلندی نظر به هیچ مخاطره تصادف نمی‌کنی. تنها راه غلبه به نفس اماره و شیطان و راه نجات برخلاف میل آنها رفتار کردن است. هیچ راهی بهتر برای سرکوبی نفس از اتصاف به صفت متواضعین و رفتار کردن مطابق رفتار و سیره و طریقه آنها نیست. در هر مرتبه از تکبر که هستی و اهل هر رشته علمی و عملی و غیر آنکه هستی، برخلاف میل نفسانی چندی عمل کن، با تنبهاات علمی و تفکر در نتایج دنیایی و آخرتی، امید است راه آسان و سهل شده نتیجه مطلوبه بگیری. (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۹۶ - ۹۳)

اما جدی‌ترین راهکار عملی قرآن کریم در مقابله با جهل به‌عنوان عامل دیگر بروز تمایزطلبی قومی و نژادی، تعمیق پایگاه معرفتی انسان از طریق دعوت به تفکر و تعقل در خود و هستی و افزایش سطح آگاهی ایشان بوده است. این فراخوان از دو طریق صورت گرفته است؛ ۱. به‌صورت صریح و با ذکر عناوین «تذکر» (فرقان / ۷۳؛ ق / ۸ - ۶؛ کهف: ۵۸؛ سجده / ۲۲؛ غافر / ۱۳؛ یونس / ۷۱؛ سجده / ۱۵)، «تفکر» و «تعقل» (فرقان / ۷۳؛ کهف / ۵۷؛ سجده / ۱۵ و ۲۲؛ ق / ۸ - ۶؛ غافر: ۱۳؛ یونس: ۷۱) در برخی آیات. ۲. با طرح حکایت‌ها و بحث‌های قرآنی که با تفکر و تعقل همراه است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ب: ۲۷۱)

۲. ارزش نبودن تفاوت‌های ظاهری از نگاه قرآن

اشاره شد که دین مبین اسلام ضمن پذیرش تفاوت‌های ظاهری در خلقت انسان‌ها، تلقی برخی افراد به‌موجب ویژگی‌های غیرارادی و مادی دارای برتری ذاتی را غیر معتبر می‌داند. اشاره به ملیت‌های

مختلف «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا»، (حجرات / ۱۳) و همچنین رنگ‌ها و زبان‌های متعدد «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ» (روم / ۲۲) در آیاتی از قرآن کریم، مؤیدی بر پذیرش این تفاوت‌ها است. در تبیین علت به اشتباه افتادن طرفداران تفکرات قوم‌گرا و نژادپرست به نظر می‌رسد، از جمله عوامل اصلی این انحراف، درک نکردن تفاوت میان دو مفهوم «تبعیض» و «تفاوت» است. آنچه در خلقت انسان‌ها وجود دارد «تفاوت» است نه «تبعیض»؛ (مطهری، ۱۳۶۸: ۱ / ۱۲۵) به این معنا که تفاوت‌های ظاهری در خلقت انسان‌ها بدین منظور نبوده که برخی گروه‌های انسانی با اتصاف به صفاتی خاص چون ملیت، قومیت، نژاد و رنگ پوست، در مرتبه‌ای برتر از سایرین قرار گیرند. پرسشی که در این مجال مطرح می‌شود این است که علت این تفاوت‌های ظاهری که خداوند در خلقت افراد بشر قرار داده، چیست؟ در این رابطه دیدگاه‌های متعددی از سوی الهیون و متفکران معتقد به تساوی انسان‌ها، مطرح شده است. شهید مطهری این تفاوت را لازمه «نظام علت و معلول» و «نظام اسباب و مسببات» دانسته است. (همان: ۱۲۶)

برخی دیگر نیز این تفاوت‌ها را برای بهینه‌کردن و سامان‌یافتن زندگی عادی بشر لازم دانسته‌اند؛ چراکه با وجود این تفاوت‌ها جامعه دارای پویایی و رونق می‌شود و افراد در جهت رفع نیازهای یکدیگر، مسئولیتی را در زندگی اجتماعی برعهده می‌گیرند؛ حال آنکه اگر همه انسان‌ها در استعدادها و ظرفیت‌های خود، در یک سطح باشند، زندگی بشر با مشکل روبه‌رو می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۷۶)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، اختلافات موجود در حیات انسانی را بر دو گونه دانسته است؛ نخست اختلافاتی که مذموم است و به موجب هواهای نفسانی میان انسان‌ها به وجود می‌آید؛ از جمله این اختلافات مذموم، اختلافی است که در امر دین میان انسان‌ها ایجاد می‌شود؛ اما نوع دیگری از اختلافات پسندیده هستند که وجود آنها به جهت سامان‌یافتن زندگی اجتماعی ضروری است. (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۱۱۹) و این مضمون از آیه ۳۲ سوره زخرف قابل برداشت است: «أَهُمْ يُقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَرَحْمَتَ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ». بنابراین وجود این تفاوت‌ها تحت هیچ‌عنوان نمی‌تواند سبب فخر و مباهات بعضی انسان‌ها نسبت به بعضی دیگر باشد. اختلاف انسان‌ها در زبان، رنگ، قومیت و نظایر آن، شناسنامه طبیعی آنها است و نمی‌تواند معیار شرافت و نشانه کرامت محسوب شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف: ۳)؛ بلکه، رنگ دین و صبغه الهی به‌عنوان بهترین الگوی هویتی معرفی شده است «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»، (بقره / ۱۳۸) که در ادامه مؤلفه این الگوی هویتی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ این مؤلفه‌ها به‌خوبی

نشان می‌دهند در سنت الهی محک اصلی تعیین مرتبه و منزلت افراد ویژگی‌های وراثتی و شرایط خانوادگی و نظایر آن، نیست.

۳. تبدیل معیارهای منزلت و ارزش به روش قرآن

از آنجا که تفاوت‌های ظاهری انسان‌ها از جمله قومیت و نژاد دلیل بر تفوق و برتری بر دیگران نیست قرآن کریم با این فرهنگ مبارزه کرده و از طریق تبدیل معیارهای ارزش و منزلت، در اصلاح دیدگاه افراد در جامعه تلاش می‌نماید.

تقوا: براساس تعالیم قرآن کریم مهم‌ترین معیار کرامت‌یابی انسان‌ها تقواست «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات / ۱۳) و نیز شرط بهره‌مندی شایسته از برکات آسمان و زمین است «وَكُؤُاَنَّ أَهْلَ الْقَرْيَةِ آمَنُوا وَآتَقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف / ۹۶) همچنان که پیشتر نیز گفته شد خداوند بسیاری از افراد را با وجود رابطه قومی و خویشاوندی با انبیای الهی، به دلیل آلوده شدن به گناه و تبهکاری، به هلاکت رسانیده است. در مقابل سرنوشت کسانی را به تصویر می‌کشد که با وجود نداشتن رابطه خویشاوندی با انبیای الهی و حتی داشتن نسبت خویشاوندی با اولیای طاغوت، به دلیل ایمان به خدا و پیشه کردن تقوای الهی در زمره رستگاران قرار گرفتند. نمونه بارز این افراد، آسیه همسر فرعون است که خداوند او را به‌عنوان الگویی متعالی از تقوا و حق‌طلبی مطرح می‌کند «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ». (تحریم / ۱۱)

علم و معرفت: از دیگر امور حیاتی در زندگی انسان علم و معرفت است که معیار واقعی برای رفعت و فضیلت بشر محسوب می‌شود؛ علت این امر نیز آن است که علم توأم با ایمان، جان انسان را شکوفا ساخته و درجات برتری از دیگران را برای عالم به ارمغان می‌آورد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۷۷)؛ از این رو در قرآن کریم تصریح شده است که مقام آنان که دارای علم و معرفت هستند، با افراد نادان مساوی نیست «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ». (زمر / ۹) و خداوند صاحبان علم و دانش را برخوردار از درجات رفیع معرفی کرده است «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ». (مجادله / ۱۱)

عمل صالح: ملاک دیگر عمل صالح است که در کنار علم، معیار فضیلت انسان محسوب می‌شود؛ در قرآن کریم تحکیم زندگی و ظهور حیات طیب در اثر عمل صالح محقق دانسته شده است «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً». (نحل / ۹۷) (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۹ / ۵۳۸)

البته مصادیق عمل صالح متعدد است اما در مورد ملاک آن می‌توان گفت عمل صالح آن است که بر میزان عقل و شریعت مقدس قرار گیرد و از شائبه هواوهوس خالی و لایق مقام عبودیت باشد. (امین، ۱۳۶۱: ۱۵ / ۲۷۴) در روایات ائمه اطهار نیز معیار بودن عمل صالح و عدم تأثیرگذاری نسب در منزلت افراد تصریح شده است. علی علیه السلام می‌فرماید: «من أبطأ به عمله لم يسرع به نسبه» (پاینده، ۱۳۸۲: ۷۳۹؛ نوری، ۱۴۰۸: ۳ / ۳۶۳؛ شریف الرضی، ۱۴۲۲: ۴۱۸) هرکس عملش باعث عقب‌ماندگی‌اش گردد، نسبش او را به پیش نمی‌برد». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در باب اهمیت عمل و رفتار نیکو و محکومیت کسانی که مبادرت به تفاخر قومی و قبیله‌ای می‌کنند می‌فرماید: «اتئونی باعمالکم، لا بأسابکم و أحسابکم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷ / ۲۴۱؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۱۸ / ۲۶۷) اعمال خود را نزد من عرضه دارید، نه نسب و حسبتان را.»

رویکرد «تثبیتی» قرآن کریم در مواجهه با تبعیض قومی و نژادی

رویکرد قرآن کریم در مواجهه با هنجارهای کاذب و ساختگی چون نژادپرستی و قوم‌گرایی متوقف بر صدور یک سلسله دستورات تربیتی و اخلاقی نیست؛ بلکه راهبردی را دنبال می‌کند که در پی آن مناسباتی مبتنی بر اصالت اخلاق و ایمان در جامعه اسلامی برقرار شود. در واقع غفلت‌زدایی و آگاهی‌بخشی قسمی از رویکرد تدریجی محسوب می‌شود که قرآن کریم در فرآیند جامعه‌پردازی به آن توجه داشته است؛ اما اقدام مهم‌تر تثبیت و نهادینه‌سازی نظام باورها و ارزش‌هایی است که می‌تواند نظام اجتماعی مطلوب و متکامل را شکل دهد. جهت تبیین این رویکرد نهایی در ادامه دو محور اساسی که عبارتند از تکوین پیوندهای نوین انسانی و ایجاد نظام اجتماعی عادلانه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. تکوین پیوندهای انسانی تقواسالار

برخلاف جامعه سیاسی، قبیله‌ای و نظامات اجتماعی مبتنی بر اصالت قوم و نژاد، در آموزه‌های اجتماعی اسلام عامل اصلی تشکیل جامعه متحد و منسجم، عوامل قهری و غیرارادی یا ارادی و فاقد اصالت نیست. راهبرد ثابت و تغییرناپذیر اسلام در برنامه‌ریزی‌های سیاسی و اجتماعی از تشکیل خانواده - به‌عنوان کوچک‌ترین و درعین‌حال مهم‌ترین واحد اجتماعی - گرفته تا کلان‌ترین پیوند جامعه انسانی که در شکل «امت» نمودار می‌شود، بر نفی محوریت ارزش‌های وراثتی و غیراقتسابی یا فاقد اصالت، استوار است.

خدای متعال مبنای اصلی پیوند زناشویی را هم‌شأن بودن ایمانی معرفی می‌کند و معیارهای نژادی و قومی را محل اعتنا نمی‌داند. در آیه ۳۲ سوره نور، آنجا که خدای سبحان ثروتمندان جامعه را به

ازدواج تشویق می‌کند «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ». از تعبیر «صالحین» استفاده کرده است که برخی مفسران بر این اساس، صلاحیت را در امر ازدواج، به امور اخلاقی و مکتبی تعریف کرده‌اند. (قرآنی، ۱۳۸۳: ۸ / ۱۸۰) آیه ۵ سوره تحریم نیز صفات همسر شایسته را اسلام، ایمان، خضوع، عدم اصرار بر گناه، عبادت و اطاعت خداوند بیان کرده است «عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يَبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴ / ۲۷۹)

اهمیت ملاک ایمان در امر ازدواج در آیه ۲۲۱ سوره بقره با صراحت بیشتری مورد تأکید قرار گرفته است تا جایی که کنیز با ایمان از مشرک دارای جمال و ثروت برتر معرفی شده است «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ وَلَكُمْ مَوْلَاةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا» در منابع روایی نیز ایمان ملاک اصلی انتخاب همسر معرفی و مؤلفه‌های نژادی و قومی کم‌اهمیت دانسته شده است. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق: ۲۱ / ۸۱: حر عاملی، ۱۴۱۴ ق: ۷ / ۷۱؛ بروجردی، ۱۳۸۶: ۲۵ / ۲۰۰)

براساس آموزه‌های قرآن کریم تکوین پیوندهای انسانی در گستره یک امت نیز قابل توسعه است. راهبرد اصلی اسلام در برنامه‌ریزی‌های سیاسی و اجتماعی، مبدل ساختن دشمنی‌ها و کینه‌ورزی‌های قومی و نژادی به حس اخوت همگانی است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۱ / ۱۲۳) در واقع این خطمشی با برادر دانستن عموم مؤمنان «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، (حجرات / ۱۰) وحدت و یکپارچگی جامعه اسلامی را بر محور توحید «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»، (آل عمران / ۱۰۳) ضرورتی اساسی می‌داند. مناسبات مبتنی بر اخوت اسلامی بر پایه دلسوزی و خیرخواهی است «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح / ۲۹) و وجود تفاوت در ویژگی‌های ظاهری مردم نباید باعث شود روح برادری در میان آحاد مردم مخدوش گردد. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱: ۲ / ۲۸۴) بنابراین می‌توان گفت از جمله اصول اساسی حاکم بر روابط عموم مردم در امت اسلامی، اصل مساوات از حیث ویژگی‌های قومی و نژادی است. در این پیوند گسترده انسانی، با توجه به تغییر در ملاک خودی و بیگانه، مؤمنان یار و یاور یکدیگر محسوب می‌شوند «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه / ۷۱) و باید از پذیرش دوستی و محبت کفار اگرچه از برادران و پدران ایشان باشند پرهیز نمایند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ». (توبه / ۲۳)

۲. تکوین نظامات اجتماعی عدالت‌محور

عدالت از مفاهیم کلیدی قرآن کریم است که خداوند ضمن امر به تحقق این آرمان «وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات / ۹) یکی از رسالت‌های انبیاء را بر مدار آن معرفی کرده است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». (حدید / ۲۵) با توجه به اینکه رجحان برخی افراد به جهت اتصاف به ویژگی‌های قومی و نژادی یکی از جلوه‌های بارز نقض عدالت محسوب می‌شود، قرآن کریم با مبنا قرار دادن عدالت، به تأسیس نظامات اجتماعی متناسبی می‌پردازد؛ نظامات و تشکیلاتی که برابری و مساوت افراد انسانی از حیث ویژگی‌های طبیعی، اصلی ثابت و تغییرناپذیر در آن قلمداد می‌شود.

در ترسیم نگاه قرآنی در این باره، آیات دیگری که در مجموع به وجود نگاه جامع قرآن به گستره وسیع عدالت در تمام ابعاد زندگی انسان اشاره دارد، قابل ذکر است. آیه ۲۸۲ سوره بقره در لزوم رعایت عدالت در کتابت معاملات «وَأَيُّكُمْ يَبِينُ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ»، آیه ۱۵۲ سوره انعام در مورد عدالت در گفتار «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا» و آیه ۵۸ سوره نساء درباره عدالت به هنگام داوری «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» از این جمله است؛^۱ به‌علاوه، نقطه مقابل عدالت اجتماعی و اهمیت و کارکردهای آن، ظلم و بی‌عدالتی است که باعث هلاکت و نیستی جامعه است. به‌موجب آیات ۵۲ نمل «فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»، ۱۳ یونس «وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا» و ۵۹ کهف «وَتِلْكَ الْقُرَى أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا»، ظلم و پایمال کردن حقوق دیگران موجب دگرگونی نعمت‌های الهی و نزدیک‌سازی خشم و غضب الهی، پدیدآوردن دشمنی، فرسودگی و اضمحلال تمدن‌ها و آبادانی‌هاست و به تعبیر امیرمؤمنان علیه السلام «الجزور محاة: جور و ستم محوکننده است». (درایتی، ۱۳۶۶: ۵۸۹) بنابراین، ظلم در عرصه اجتماعی، عمر دولت را کوتاه و حیات یک امت را محو می‌سازد.

در سیره علمی و عملی معصومان علیهم السلام ضمن تأکید بر اهمیت عدالت،^۲ ابعاد مختلف آن - به‌عنوان مبنایی قرآنی - در حوزه‌های مختلف قضایی، اقتصادی و اجتماعی تشریح شده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

عدالت در نظام اقتصادی اسلام، از جمله جلوه‌های رویکرد تثبیتی اسلام در مواجهه با تبعیض

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: آیات ۹۰ نحل، ۳ و ۱۲۹، نساء و ۸ مائده.

۲. عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال: الْعَدْلُ حَيَاةُ الْجُورِ مَمْحَاةٌ: عدالت مایه حیات و ظلم موجب مرگ و نیستی است. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۳۱۸)

ناروا است. مفهوم عدالت اقتصادی حالتی را وصف می‌کند که در آن همه مردم به حق خود از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه دست می‌یابند. (میرمعزی، ۱۳۹۳: ۲۷۹ - ۲۷۸) یکی از انحرافات که در نتیجه طرد معصومان علیهم‌السلام از صحنه حکمرانی جامعه اسلامی پس از رحلت نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پدیدار شد رویکرد تبعیض‌آمیز خلفا در توزیع ثروت‌های عمومی بود. مقابله با رویه‌های غلط اقتصادی از جمله دشواری‌های امام علی علیه‌السلام پس از پذیرش امر حکومت بود که خلفای پیشین با انحراف از سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جامعه نهادینه کرده بودند.

علی علیه‌السلام از همان ابتدای حکومت خود با مردود دانستن مبنای قومی و نژادی در تقسیم اموال عمومی، خود را متعهد به سنت نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی کرد؛ این امر باعث شد نزدیک‌ترین یاران حضرت با استناد به سنت خلیفه دوم به ایشان اعتراض کرده و خواهان ترجیح اشراف از عرب و قریش بر موالی و عجم گردند. (جعفریان، ۱۳۹۲: ۲ / ۲۴۲) امام نیز در پاسخ به این عده فرمودند «افسنه رسول الله اولی بالاتباع عندکما ام سنة عمر». (نوری، همان: ۱۱ / ۹۱) بنابراین رعایت فرصت‌های برابر در بهره‌مندی از ثروت‌های عمومی از شاخص‌های حکومت علوی محسوب می‌شود و ویژگی‌های قومی و قبیله‌ای افراد نمی‌تواند موجد امتیازی برای آنها باشد.

عدالت در نظام قضایی اسلام بعد دیگری از رویکرد تثبیتی اسلام در جهت تکوین نظام اجتماعی متکامل و کارآمد است. در بینش اسلامی، قضاوت نوعی امانت‌داری و ولایت محسوب می‌شود که ادای مطلوب این وظیفه متوقف بر مراقبت عملی قاضی در مقام صدور حکم است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: ۱۰) در واقع قضاوت را آدابی است که در صورت پاسداشت آن، امر قضاء در چارچوب عدالت جای می‌گیرد و بی‌اعتنایی به این آداب مایه ظلم و ستمگری است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵: ۷۱) اجتناب از هرگونه طرفداری و تمایل به یکی از طرفین دعوا از جمله آدابی است که از قاضی انتظار می‌رود در مقام دادرسی بدان پایبند باشد؛ زیرا رفتار قاضی باید به‌گونه‌ای باشد که هیچ‌گونه شائبه‌ای مبنی بر طرفداری او نسبت به یکی از متخاصمان احساس نشود. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۰۴)

آیاتی که در مورد دستور به شهادت بالقسط و گواهی منصفانه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»، (مائده / ۸) رعایت عدالت و نادیده گرفتن روابط حسبی و نسبی در ادای شهادت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء / ۱۳۵) و نیز دستوراتی که به قضاوت عادلانه و حکم براساس قسط وارد شده «وَلِكُلِّ

أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»، (یونس / ۴۷)^۱ در مجموع بیانگر وجود نگاه جامع و سیستمی قرآن به نهاد عدالت قضایی است. در احادیث معصومان علیهم السلام و همچنین سیره عملی ایشان رعایت اصل برابری متخصصان در محکمه به عنوان اصلی اساسی در فرهنگ قضایی اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. این برابری تا جایی مراعات شده است که کوچک‌ترین رفتارهای قاضی چون نگاه‌ها و اشارات او نسبت به طرفین دعوا را در برمی‌گیرد.^۲ بی‌تردید از مهم‌ترین مصادیق مراقبت بر رعایت برابری طرفین دعوا عدم ترجیح یکی از آنها به واسطه رابطه دوستی و خویشاوندی است. علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر ضرورت اعمال حق را بر دوست و بیگانه این چنین گوشزد می‌کند: «وَأَلْزَمَ الْحَقَّ مَنْ لَزِمَهُ مِنَ الْقَرِيبِ وَالْبُعِيدِ وَكُنْ فِي ذَلِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا وَأَقِعْ ذَلِكَ مِنْ قَرَابَتِكَ وَ [خَوَاصِّكَ] خَاصَّتِكَ حَيْثُ وَقَعَ وَ اتَّبِعْ عَاقِبَتَهُ بِمَا يَثْقُلُ عَلَيْكَ مِنْهُ فَإِنَّ مَعْبَةَ ذَلِكَ مَحْمُودَةٌ». (نهج البلاغه: نامه ۵۳) در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز عدم رعایت مساوات در اعمال حدود و مجازات - به دلیل موقعیت و شرایط افراد - موجب هلاکت جوامع معرفی شده است. (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۴۵)

عدالت در نظام سیاسی و اجتماعی جلوه دیگر از جایگاه این مهم در اسلام است. شایسته‌گزینی در تصدی مناسب سیاسی و اجتماعی، بعد دیگر رویکرد عدالت‌محور قرآن کریم در نهادینه‌سازی روابط اجتماعی صحیح و به دور از هرگونه تبعیض ناروا است. در منطق اسلامی، انتخاب اصلح به عنوان یک قاعده عقلایی در انتصابات و گزینش‌ها مبنا قرار دارد. علی علیه السلام می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ» (نهج البلاغه: خطبه ۳) همچنین عدول از فرد اصلح، غش و فریب خداوند و رسول معرفی و نصب کسی با وجود فرد لایق‌تر امری خائنانه دانسته شده است؛^۳ بی‌تردید یکی از موارد نقض مضمون روایات مذکور، تصدی مناصب حکومتی به واسطه مناسبات نسبی، قومی یا نژادی است که می‌توان از آن به «خویشاوندگماری» تعبیر کرد.

نتیجه

علی‌رغم اساسی‌سازی مقوله «عدم امتیاز آحاد شهروندان از حیث ویژگی‌های قومی نژادی» در قوانین اساسی کشورهای مختلف و همچنین تصریح بر این انگاره در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، کماکان،

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: آیات ۴۲ مائده و ۵۴ هود اشاره کرد.

۲. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ ابْتُلِيَ بِالْقَضَاءِ فَلْيَسَاوِ بَيْنَهُمْ فِي الْإِشَارَةِ وَ النَّظَرِ فِي الْمَجْلِسِ. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۴ / ۳)

۳. أَيْمًا رَجُلٌ اسْتَعْمَلَ رَجُلًا عَلِيَّ عَشْرَةَ أَنْفُسٍ عَلِمَ أَنَّ فِي الْعَشْرَةِ أَفْضَلَ مِمَّنْ اسْتَعْمَلَ فَقَدْ غَشَّ اللَّهَ وَ غَشَّ رَسُولَهُ وَ غَشَّ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ: هر کس مردی را بر ده تن ریاست دهد و بداند که میان آنها کسی هست که از او برتر است با خدا و پیغمبر و گروه مسلمانان تقلب کرده است. (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۶۱)

قومیت‌مداری، قبیله‌گرایی و نژادپرستی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی است که همبستگی ملی کشورها و نظم و امنیت بین‌المللی را با تهدید روبه‌رو می‌کند. این امر نیز از آنجا ناشی می‌شود که مواجهه صحیح با عوامل تبعیض ناروا بیش از هر چیز نیازمند توجه به تمهیدات اخلاقی و تربیتی است. شمول کلام الهی بر معارف نامتناهی، قرآن کریم را به منبعی بی‌نظیر برای استخراج الگوی مطلوب جامعه‌پردازی و یافت رویکردهای مطلوب جهت رفع آسیب‌های اجتماعی مبدل ساخته است. در این تحقیق با تتبع و تدقیق در نصوص قرآن کریم رویکردهای مطلوب جهت مقابله با آسیب‌ها و مخاطرات ناشی از تبعیض ناروا در سه ساحت «تندبیری»، «تبدیلی» و «تثبیتی» مورد بررسی قرار گرفت که شایسته است متناسب با آنها مجموعه‌ای از راهبردها و تدابیر در برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های کلان فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اتخاذ شود. از جمله راهبردهای پیشنهادی که در این باره می‌توان ارائه داد عبارتند از:

- «ارتقای فرهنگ عمومی از طریق اتخاذ سیاست‌های فرهنگی و آموزشی کارآمد در راستای تقویت همبستگی و انسجام اجتماعی و تضعیف عوامل مؤثر بر اختلافات و تبعیضات قومی و نژادی» که با مرجعیت بخش‌ها و نهادهای فرهنگی و آموزشی صورت می‌پذیرد.

- «اتخاذ سیاست تقنینی و کیفری کارآمد در راستای تقویت همبستگی اجتماعی و تضعیف عوامل مؤثر بر تبعیضات ناروا» که با جرم‌انگاری هرگونه تبعیض، تمایز و رجحان در بهره‌مندی یا محرومیت از حقوق اجتماعی نظیر جرم‌انگاری خویشاوندگماری مقامات سیاسی، نشر و تبلیغ افکار مبتنی بر تنفر قومی و نژادپرستانه در رسانه‌های ارتباط جمعی و در سطح جامعه انجام می‌گیرد؛ همچنین اصلاح و بازنگری در قوانین خاص که بدون وجود غرض شرعی و عقلایی، امتیازهایی ویژه بر گروهی خاص در نظر گرفته است.

- «اصلاح سیاست‌های اجرایی و شناسایی و تقویت مراجع نظارتی در راستای تثبیت عدالت اجتماعی و تضعیف تبعیضات ناروا»؛ در این راستا می‌توان به اقداماتی چون اهتمام مجریان بر رعایت اصل عدالت در توزیع امکانات و مزایا نظیر رعایت اصل شایسته‌گزینی و لزوم توجه به ملاک شایستگی در نظام استخدامی و شفافیت در عملکرد اقدامات مجریان جهت اعمال نظارت نهادهای رسمی (نهادی نظارتی حکومتی) و غیر رسمی (مطبوعات) اشاره کرد.

شایان ذکر است راهبردها و پیشنهادات پیش‌گفته ضمن اینکه می‌تواند نظام حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران را ارتقا بخشد، مبنای مناسبی جهت تقویت راهبرد حمایت‌گرایانه جمهوری اسلامی ایران در حقوق بین‌الملل به حساب می‌آید که با مشارکت فعال در تکوین و تکامل

هنجارهای مبتنی بر منع تبعیض قومی و نژادی به انجام می‌رسد. توضیح اینکه انعکاس گفتمان دفاع از حقوق بشر در اصول متعددی از قانون اساسی با تصریح بر گزاره‌هایی چون «تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان»، «حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» و «تعهد نسبت به سعادت انسان در کل جامعه بشری» حکایت از آن دارد که جمهوری اسلامی می‌تواند با بهره‌گیری از پشتوانه‌های معرفتی خود نقش جدی‌تری را در شکل‌گیری هنجارهای حقوق بشری - که بر برابری انسان‌ها و منع تبعیض نژادی مبتنا دارد - در عرصه جهانی ایفا نماید. برای نمونه «مسئولیت حمایت»، به‌عنوان نظریه‌ای متأخر در حقوق بین‌الملل است که ضمن مقارنه گفتمانی با ارزش‌های دین مبین اسلام، می‌تواند راه‌حل جدیدی برای تضمین امنیت و کرامت انسان‌ها در مقابل نقض گسترده حقوق ذاتی آنها در برابر جرائمی چون پاکسازی و نسل‌زدایی قومی و نژادی قلمداد. نظریه مذکور با اولویت‌بخشی به مسئولیت پیشگیری از جرائمی چون نسل‌زدایی و پاکسازی قومی و نژادی ابتکار جدیدی را در نظریات نوین حقوق بشری ایجاد کرده است؛ بنابراین نتایج این تحقیق می‌تواند رهیافت مناسبی جهت اعمال «مسئولیت پیشگیری از جرائم موضوع نظریه مسئولیت حمایت» تلقی شود که از سوی دولت‌ها در قبال شهروندان اتخاذ می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ ق، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. اسدزاده، مهران و هیبت‌الله نژدی‌منش، ۱۳۹۵، «ظهور طرحی نو: دکنترین مسئولیت حمایت»، *مجله پژوهش ملل*، دوره ۱، ش ۹، ۲۵ - ۱۷.
۳. امین، نصرت، ۱۳۶۱، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
۴. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، ۱۴۱۳ ق، *عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال*، قم، مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام.
۵. بروجردی، آقاحسین، ۱۳۸۶، *جامع احادیث الشیعة*، تهران، فرهنگ سبز.
۶. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحة*، تهران، دنیای دانش.
۷. جعفریان، رسول، ۱۳۹۲، *تاریخ سیاسی اسلام*، قم، دلیل ما.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۳، *صورت و سیرت انسان در قرآن*، قم، اسراء.
۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ الف، *جامعه در قرآن*، قم، اسراء.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ ب، *مراحل اخلاق در قرآن*، قم، اسراء.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *ادب قضا در اسلام*، قم، اسراء.
۱۲. حبیب‌نژاد، احمد و عالی‌ه اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۴، *حقوق فرهنگی اقلیت‌های قومی در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر*، تهران، مجد.
۱۳. حسینی همدانی، سید محمدحسین، ۱۴۰۴، *انوار درخشان*، تهران، کتابفروشی لطفی.
۱۴. درایتی، مصطفی، ۱۳۶۶، *ترجمه تصنیف غرورالحکم و دررالکلم*، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
۱۵. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۵، *تواز دادزیستی (عدالت قضایی و فرهنگی در نهج‌البلاغه)*، تهران، دریا.
۱۶. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۵، *فروع ابدیت*، قم، بوستان کتاب.
۱۷. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۲۲ ق، *المجازات النبویة*، قم، دار الحدیث.
۱۸. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *وسائل الشیعة*، قم، بی‌نا.
۱۹. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، *هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام*، مشهد، آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامیة.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۴ ق، *تفسیر المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۳. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان.
۲۴. عسگری، یدالله، ۱۳۹۶، *مسئولیت حمایت (تحول حاکمیت در پرتو جنبش‌های حقوق بشری)*، تهران، میزان.
۲۵. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۹، *دانشنامه فقه سیاسی*، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۲۶. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۴۲۱ ق، *فقه سیاسی*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۲۷. قاسم، فائز؛ محمدرضا شاهرودی و سعید گلاب‌بخش، ۱۳۹۱، «نقش تاریخ در تفسیر قرآن کریم با تأکید بر تاریخ عصر جاهلی»، *فصلنامه آموزه‌های قرآنی*، ش ۱۵، ۱۳۴ - ۱۰۱.
۲۸. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۲۹. کاشفی سبزواری، حسین، بی تا، *جواهر التفسیر*، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۳۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۴ ق، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران، صدرا.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۳۵. موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۹۱، *شرح چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۶. میرمعزی، حسین، ۱۳۹۳، *عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۷. نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۳۹۵، *نظام قضای اسلام*، قم، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل البيت علیهم السلام.

